

جامعه و انتخابات

دیروز، امروز و فردای ایران در آینه اصلاحات
سید محمد خاتمی

مردمان اصلاح طلب و خواست تاریخی اصلاح طلبی
محمد فاضلی

راه‌های مقابله با بدعت‌های خطرناک
سید مرتضی سبحانی

دموکراسی از پائین
سید مصطفی باقرزاده

خاتمی و تفاوت معنی‌دار انتخابات
محمد رسول‌الله غلامرضا کاشانی

سیاست خارجی یا مازاد قدرت

پژوهشگاه علوم انسانی
پرتال جامع علوم

دیروز، امروز و فردای ایران در آینه اصلاحات ۷۰ ساله محمد خاتمی

مقدمه

اصلاحات اگرچه عنوانی است که در ایران طی دهه اخیر بیشتر از آن سخن رفته است و ولی جریانی مفصلی و بی‌تاریخ نیست می‌توان ریشه‌ها و جلوه‌های آن را هم در اندیشه‌های راهگشای مصلحان، روشنفکران و عالمان دینی هم در جنبش‌های پیرامنه مردمی و مردم‌سالارانه در دو سده اخیر، به وضوح مشاهده کرد. محتوا و گوهر اصلاحات خواست و حرکت اصیل ملت ایران به سوی آزادی، استقلال و پیشرفت در عین پابندی به موازین و ارزش‌های اصیل دینی و معنوی است. امری که در یکصد سال گذشته با انقلاب مشروطیت آغاز شد و پس از فراز و فرودهای فراوان، در انقلاب شکوهمند اسلامی به اوج رسید و همچنان ادامه دارد. در انقلاب اسلامی ایران، خواست تاریخی ملت در پرتو اندیشه امام خمینی (ره) با هویت دینی و فرهنگی این سامان همسو شد و به استقرار نظام جمهوری اسلامی انجامید که در اساس آن، نه تنها دینداری یا مردم‌سالاری ناسازگار نیست بلکه بر آن‌ارنده و قواعدمنده آن نیز هست. جنبشی که در دوم خرداد ۱۳۷۶ به پیروزی رسید و گفتاری که در خلال آن و پس از آن به «گفتان اصلاحات» در ایران بدل شد. بازخوانی و بازنامایی همان خواسته‌ها، در موقعیت و شرایطی جدید بود. امروز اگرچه کشور با مسائل مختلف و گاه نو روبروسته اما برای گشودن افق و راه اصلاحی، متناسب با این نیازها و تنگناها، نیازمند تبیین نظر و تلویح برنامه عمل است. شناخت تاریخی گفتان اصلاحات و تبیین مبانی و مفاهیم اساسی آن، به گونه‌ای که شکل گرفته برای ارائه رویکردها، راهبردها و راهکارهای اصلاحی در موقعیت کنونی ایران، گام نخست است. آنچه در این مختصر می‌آید نگاه این بنده کوچک خداوند به دیروز، امروز و فردای ایران در آینه اصلاحات است.

یکم: گفتان اصلاحات

پدیده اصلاحات به گونه‌های مختلفه توصیف و تبیین شده است. گونه‌هایی که در جای خود می‌توانند محل نقدها و تآوری‌های مختلف باشند. من هم در حد خود از این رخداد بزرگ تصور و تصویری داشته‌ام. چهار سال پیش، برخی دریافتها و برداشتهایم را از جامعه ایرانی و نیاز آن به اصلاحات به گونه‌ای فشرده بیان کردم. امروز هم لازم می‌دانم که جامعه به صورتی

مشخص‌تر به مفاهیم و موارد اساسی گفتان اصلاحات که با اقبال مردم نیز روبرو شد، بپردازد. آن روز نوشتم: «... دوم خرداد چیزی نبود جز تشخیص گفتان و حدیث فکری و عاطفی جامعه‌ای که به صورت فزاینده‌ای جوان‌تر، باسوادتر، مشارکت‌جو تر و متوقع‌تر می‌شود. بر این اساس من اندیشه و راهی را موفق می‌دانم که واقعیت این تحول را درک کند خود را با آن هماهنگ نماید و از عهده عمل به تعهد خویش برآید... گفتان اصلاحات توانست با طرح شمار آزاد، توأم بودن اسلامیت و جمهوریت در نظام سیاسی و ملازم بودن حق و تکلیف شهروندان و حکومت، پیشاهنگ تحول در منطقه باشد و باز نام ایران را در این دوران بلند آوازه کند. آنچه بعدها نام اصلاحات به خود گرفته، فرصت ملی و سرمایه جدید اجتماعی برای کشور بود... دوم خرداد بروز مقبولیت حدیث سازگاری دینداری و آزادی و نیز اسلام و مردم‌سالاری بود و معتقدان به این سازگاری از دو سو مورد تهاجم قرار گرفتند؛ یکی آن که می‌گفت برای این که دیندار بمانیم آزادی را رها کنیم و متناسفانه بسیاری از تهاجمی‌ها را که می‌باید در فراز و وادی جبهه‌بندی‌ها ممانعت به استخدام خود درآورد، بی‌آن که تکلیف مسئولیت‌ها معلوم باشد و دیگری آن که خواستار قربانی کردن دین در پای آزادی بود و ابزار جنگ روانی را نیز در اختیار داشت و می‌کوشید از میان جوانان و تحصیلکرگان سربازگیری کند. در واقع این هر دو جریان بر خلاف جهت آب شنا می‌کنند. بیش از یکصد سال است که این ملت خواستار آزادی، استقلال و پیشرفت است و این همه را سازگار با هویت دینی و ملی خود می‌خواهد و با این که بارها در معرکه شکست خورده است از مطالبه اساسی خود دست برنداشته است. امروز با تأمل در آنچه بر ما گذشته و بر ایران می‌گذرد تاگرییم مبانی و مفاهیم اساسی گفتانی را که مورد اقبال جامعه بخصوص نسل روشن و بینار آن قرار گرفته به صورت فشرده و مشخص‌تر بیان کنیم تا از یک سو از آشفته ذهنی و طرح برداشت‌های ابهام‌آفرین درباره اصلاحات رهایی یابیم و از سوی دیگر، همه آنان که در ژرفای وجدان خود اصلاحات را می‌فهمند و می‌خواهند

هر چند ممکن است در بیان و تبیین آن دچار مشکل باشند، تکلیف خود را بنهند و با آگاهی بیشتر، اندیشه و جنبش اصلاحات را پی بگیرند. به روشنی مشهود است که اصلاحات وجه جدیدی از اندیشه پیشرفت و گفتمان بیداری دینداری آزادی‌خواهی، عدالت‌جویی و استقلال طلبی ملت در مواجهه با مهم‌ترین تنگناها و مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یکصد ساله ایران است. از این روه باید گفتاری را که در انتخابات دوم خرداد ۷۶ انعکاس یافته در امتداد همین روند تاریخی فهمید و با مشخص کردن مبانی و تبیین مفاهیم اساسی آن، سیاست‌ها، راهبردها، برنامه‌ها و راهکارهای روزآمد و متناسب با نیازها و تحولات کنونی ایران و جهان را تلویح کرد. گفتان اصلاحات امروز می‌تواند سخن مشترک آن دسته از گسروه‌ها و نیروها و جریان‌های سیاسی - اجتماعی باشد که ضمن پاسداشت دستاوردهای گرانسنگ انقلاب و ایستادگی تجارب ملی و نگران آینده ایران و نظام جمهوری اسلامی در گذار از دوران حساس و پرمخاطره کنونی‌اند. پس آنچه مورد نظر است، پیشبرد حرکتی عمیق و ریشه‌دار در ایران است که از رویارویی جامعه ایرانی با جهان جدید آغاز شد و وجوه نظری و عملی آن، طی صد سال اخیر، در دو جنبش مشروطیت و انقلاب اسلامی انعکاس یافته در نهایت در قالب نظام جمهوری اسلامی پی گرفته شد و پس از آن نیز با رویکردی اصلاح طلبانه پیگیر همان آرمان‌های دینی و ملی است. این حرکت امروز با تأکید بر فهم دین به گونه‌ای سازگار با مردم‌سالاری - چنان که در قانون اساسی آمده است - در پی تحقق خواسته‌های تاریخی ملت ایران برای دستیابی به پیشرفت همه‌جانبه و ارتقای زندگی مادی و معنوی شهروندان است. از این رو اصلاحات گفتنامی است متکی بر خواسته‌های تاریخی و جنبش‌های اجتماعی و تلاش‌های سیاسی که نقطه آغاز و تکوین آن جامعه مدنی است. در گفتان اصلاحات «جامعه مدنی» ظرف تحقق اراده مردم و عقید کردن قدرت است. اندیشه اصلاحی مردم را محق و حکومت را مکلف می‌داند. مشروعیت حکومت به آن است که حق مردم را ادا کند و اختیارات خود را مقید به قانون بنهد. مسئولیت حکومت در برابر مردم و پاسخگو

بودن آن، نتیجه این ضرورت است. در بینش اصلاحی، قدرت مشروع، پیرامده از مردم و تحت نظارت آنان است و دولت مقتدر، دولتی است که با پذیرش تنوع، تفاوت و حتی اختلاف در جامعه ایران را برای همه ایرانیان بلند و برای همه زنان و مردان، اقوام و مذاهب این سرزمین، به حکم قانون اساسی، حقوق مساوی و فرصتی برابر برای استفاده از این حقوق قائل باشد و به مخالفان خود اجازه دهد در چارچوب قانون، سخن و رفتار مخالف داشته باشند گفتاری که به گفتمان اصلاحات در سال ۱۳۷۶ بدل شد. بیش و پیش از هر چیز بر همین وجه از حقوق شهروندان در برابر حکومت تأکید داشت: این مهم در برابر افراط‌ها و تفریط‌ها و تنگ‌نظری‌ها و درشت‌خویی‌های پیش آمده در جامعه آفتی را پیش روی جامعه ایرانی می‌گشود که به اعتبار آن، انسان حرمت و کرامت می‌یافت و مردم، بویژه گروه‌ها و قشرهای به حاشیه رانده شده، امکان مشارکت و مداخله موثر در تعیین سرنوشت و بهبود وضع خویش پیدا می‌کردند. دیدگاه‌ها و رموز برنامه‌هایی که در ۲۷ اسفند ماه سال ۱۳۷۵ با عنوان "قردای بهتر برای ایران اسلامی" اعلام شد، نخستین سند برای فهم این مضمون است. سندی که می‌تواند معیار سنجش پایبندی و عمل به اندیشه اصلاحات نیز به شمار آید. در آن سند "دیانت و معنویت"، "عدالت‌گستری و تبعیض‌زدایی"، "فضیلت مجاهدت"، "حرمت‌انسان و حقوق و آزادی‌های قانونی"، "استقلال کشور و اقتدار ملت"، "حاکمیت قانون و امنیت اجتماعی"، "وحدت اسلامی و وقایع ملی"، "سازندگی و توسعه پایدار و همه‌جانبه"، "مشارکت و رقابت"، "خردمندی و حکمت"، "منزلت جهانی ایران" و "دولت مقتدر و خمت‌گزار و پاسخگو" به عنوان مولفه‌های اصلی گفتمانی متفاوت با گفتمان مسلط و رسمی مطرح شد و مورد اقبال عمومی قرار گرفت.

امروز می‌توان و باید در مسیر همان مولفه‌های جدید، گفتمان اصلاحات را که خوشبختانه حتی مخالفان آن نیز اکنون از جمله قاتلان و حامیان بخش‌هایی از اصلاحات شده‌اند، تعریف کرد و بر اساس آن برای خروج جامعه ایرانی از تنگ‌ناها و کاستی‌های گوناگون کنونی، راهبردهایی ملی تدوین کرد و به کار بست.

دوم: مبانی و مفاهیم اساسی اصلاحات

اصلاحات آن‌گونه که من می‌فهمم و معتقدم مورد استقبال اکثریت جامعه قرار گرفت و با وضعیت و شرایط تاریخی ایران برای رهایی از استبداد

دیرپا و عقب‌ماندگی مزمین و آشفتگی فکری و اجتماعی ناشی از آن سازگار است. با کرامت‌انسان، دین، قانون اساسی، مردم‌سالاری، آزادی، استقلال، توسعه اقتصاد، بویژه عدالت، امنیت اخلاق و منزلت جهانی ایران، مناسبت داشته و دارد. این مبانی و مفاهیم باید در ظرف تاریخی خود فهمیده شوند و در این زمان به صورتی ملموس و روزآمد مایه و پایه سیاست‌ها، برنامه‌ها و راهکارهای حل مسائل فراوان پیش روی کشور و دشواری‌های زندگی و معیشت مردم قرار گیرد. به نظر من، مهم‌ترین مبانی و مفاهیم اصلاحات را بر اساس تحولات واقعی حوزه نظر و عمل طی سالیان اخیر، می‌توان در این موارد برشمرد.

۱. اصلاحات و کرامت انسان

اصلاحات، انسان را جانسین خداوند، ذیحق و دارای منزلت و کرامت می‌داند و معتقد است مسیر رشد و کمال او در عرصه اجتماع، اقتصاد، فرهنگ و سیاست، باید از هر نظر گشوده شود. به هیچ نام و عنوانی نمی‌توان انسان را تحقیر کرد و راه را بر شایستگی‌های فردی و اجتماعی او بست. اندیشه تصرف و این‌که اصالت نفع در قدرت، ثروت و یا منزلت، موجب تصعب حقوق انسان - چه مرد و چه زن - شود، در اصلاحات جایی ندارد. در اصلاحات آشنا کردن مردم به حقوق خویش و فراهم ساختن زمینه دستیابی آنان به فرصت‌های برابر و آزادی‌های قانونی، معانت از شکستن حرمت‌ها و تجاوز به حقوق و آزادی‌های انسانی، بسط و تقویت نهادهای مدنی، پرهیز از خشونت و خودکامگی، ترویج مدارا و شرح صدر و احترام به گرایش‌ها و نگرش‌های گوناگون، محوریت دارد. در اهتمام به این اصل، زنان ایرانی و مسلمان از آن رو که هم رکن رکن خانواده و سلامت و استواری آن بوده‌اند و هم نقشی نو و افتخارآمیز در گشودن راه‌های مشارکت سیاسی، اجتماعی، علمی، اقتصادی و فرهنگی در این دوران به عهده گرفته‌اند نیز مند توجهی ویژه‌اند تا به جایگاه شایسته خود در نگرش‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌های عملی نائل شوند.

۲. اصلاحات و دین

اصلاحات معتقد به حضور فعال و مثبت دین در سپهر حیات اجتماعی است و بر جهت‌گیری روشن و موثر انقلاب اسلامی که دین را طرفدار، بلکه منادی آزادی، دموکراسی، عدالت و حاکمیت انسان بر سرنوشت خود می‌داند، پای می‌فشارد و "جمهوری اسلامی" را به عنوان حاصل این انقلاب و مورد نظر امام و تصویب مردم، پاس می‌دارد.

در این تفکر، تبحر یک آفت بزرگ درون‌دینی است که خود نتیجه دلبستگی به عادت‌های فکری و آداب اجتماعی به ارث رسیده از گذشته و حاصل ظاهرپرستی به جای خلدپرستی و نیز تسری قداست اصل دین به برداشت‌های انسانی از دین و عادات و آدابی است که تابع شرایط زمان و مکان‌اند. خشونت و استبداد رای و تحمیل برداشت‌های تنگ‌نظرانه به نام دین بر جامعه و نیز تقدیس قدرت سیاسی که امری بشری است، موجب رشد سکولاریته و لائیسیته در جامعه، بخصوص در میان نسل جوان، می‌شود.

اصلاحات بر این یاور است که جامعه، چه در نظر و چه در عمل، نیازمند نوآوری و تحول سازگار با شرایط تاریخی و اجتماعی و توسعه دموکراتیک است. این امری است که خواه‌ناخواه تحقق خواهد یافت و مقاومت در برابر آن، نتیجه‌ای جز گریز از دین نخواهد داشت. از این رو نقد سنت و نه نفی آن و نقد تجدد به صورتی که در غرب تحقق یافته است و نه نفی آن را امری مطلوب و لازمه روشنفکری دینی به شمار می‌آورد. مراد از نوسازی و تجدد در رویکرد اصلاحی، نه تقلید از بیگانه یا تسلیم در برابر آن چیزی است که در غرب به تناسب شرایط تاریخی و اجتماعی آن سامان رخ داده و در جهانی ناسازگار با مبانی اصل دینی و بنیاد حکمت معنوی ما نیز هست، بلکه نوآوری و نواندیشی به تناسب زمان و مکان با وفاداری به دین و فرهنگ و بخصوص وحی الهی به عنوان منبع ممتاز شناخت حقیقت و یافتن شیوه زندگی انسان است.

۳. اصلاحات و قانون اساسی

قانون اساسی دستاورد بزرگ انقلاب و سرمایه گرانسنگی است که مایه نظم و پایه انتظام جامعه ماست؛ قانونی که در عین عدم تغییر با معیارها و میزان‌های اصل دینی، از مسیر اراده آزاد مردم به تصویب رسیده است. در واقع انقلاب اسلامی از این جهت منحصر به فرد است که هم اصل نظام و هم اساسنامه آن، در معرض رای مردم قرار گرفته و تصویب ملت-ملاک حقیقت و مشروعیت آن به حساب آمده است. سخن بر سر آن نیست که قانون اساسی وحی الهی و غیرقابل اصلاح و تغییر است بلکه سخن بر سر این است که ملت ما توانسته است در جریان انتخابات آزاد اساسنامه‌ای را به تصویب برساند که بیانگر حاکمیت و حدود حکومت و حقوق ملت و سازگار با دین و تأمین‌کننده وجهی از مردم‌سالاری متناسب با شرایط تاریخی جامعه ماست.

اصلاحات بر این باور است که همگان، بخصوص حاکمان، باید در چارچوب این قانون حرکت کنند. نقض قانون یا ابزار قرار دادن آن برای اعمال سلیقه و سیاست‌هایی که با روح قانون اساسی و خواست ملت مغایر است، عملی خلاف و انحرافی است و اصلاح آن رویه باید همواره مدنظر باشد.

اصلاحات، قانون اساسی را مبنای مردم‌سالاری و نظم سیاسی و اجتماعی می‌داند و در عین حال، به مخالفان آن حق می‌دهد نظرشان را در چارچوب‌های قانونی مطرح کنند.

۴. اصلاحات و مردم‌سالاری

در عرصه خیل سیاسی، دموکراسی کم‌هزینه‌ترین و پرفایده‌ترین شیوه زندگی جمعی است و عرف بشری نیز درباره آن به اجماع رسیده است.

اصلاحات، دموکراسی سازگار با دین را برای تحقق آرمان‌های تاریخی ملت ایران، یعنی آزادی، استقلال و پیشرفت همه‌جانبه ممکن و ضروری می‌داند و بر حاکمیت انسان بر سرنوشت خود (چنان که در قانون اساسی نیز آمده است) اهتمام دارد. اصلاحات حکومت را برآمده از رای آزاد و اراده و رضایت مردم و تحت نظارت آنان می‌داند و هرگونه دیکتاتوری و تحمیل رای و خواست فردی و گروهی را خلاف مشیت الهی و نیز خواست و مصلحت جامعه می‌بیند. در این نگاه، اقتدار واقعی از قدرت برآمده از مردم و تحت نظارت آنان و مسئول در برابر آنان نشأت می‌گیرد و بر همین اساس، بر اهمیت و محوریت نهادهای محدودکننده قدرت و تشکل‌های مدنی، واسطه میان قدرت و مردم و در راس آن‌ها مجلس شورای اسلامی، تأکید می‌شود. به این سبب انتخابات آزاد، اصل و اساس نظام مردم‌سالاری به شمار می‌رود و برای تحقق آن، آزادی‌های قانونی از جمله آزادی اندیشه و بیان و اجتماعات و آزادی نقد قدرت متمرکز و مصونیت صاحبان نقد و نظر، اهمیتی بی‌بدیل دارد.

۵. اصلاحات و آزادی

آزادی موهبتی الهی است که هیچ فرد و نهاد و نیرویی، حق سلب آن را از انسان ندارد. حق حاکمیت انسان بر سرنوشت خود و توان اعمال این حق، مصداق مهم و بارز آزادی است و آزادی بیان و اندیشه و اجتماعات و بی‌هزینه بودن نقد قدرت، لازمه تحقق آن است.

آزادی به این معنی، مهم‌ترین عامل پیشرفت جامعه و رشد معنوی و مادی آن و برخوردار از همه افراد از حرمت و حقوق اساسی است. در این عرصه حق آزادی مخالف و رقیب و بخصوص

به رسمیت شناختن حق انتقاد از همه ارگان حکومت و تن دادن به نوازم آن، اهمیتی فوق‌العاده دارد. وجود تشکل‌ها و احزاب قانونی و غیردولتی (که می‌توانند و باید دولت ساز باشند) و رسانه‌های همگانی آزاد برای بسط آگاهی و انعکاس نظرات و نیازهای جامعه و دفاع از حقوق و منزلت مردم در نظام جمهوری اسلامی، امری گریزناپذیر است. وظیفه مهم حکومت رفع موانع ساختاری حقوقی و اجتماعی بر سر راه پیدایش و تداوم کار احزاب و نهادها و گروه‌ها و تشکل‌های مدنی و تضمین آزادی‌های قانونی شهروندان است.

توجه ویژه به آزادی‌های علمی و فراهم آوردن امکان تضارب آراء و اندیشه‌ها و ایجاد امنیت و اطمینان خاطر برای اصحاب معرفت و دانش و دانشگاهیان و روشنفکران و هنرمندان که مهم‌ترین سرمایه‌های معنوی کشورند، از جمله اولویت‌های بینش و روش اصلاحی است.

۶. اصلاحات، استقلال و تمامیت ارضی ایران

استقلال بازتاب خواست تاریخی ملت ایران در رهایی از استبداد و وابستگی به بیگانگان است که در نهایت در قالب سه آرمان به هم پیوسته و هم‌عرض، یعنی "آزادی"، "استقلال" و "جمهوری اسلامی" در خلال انقلاب اسلامی تجلی یافت. استبداد دیرپا در عرصه ملی و استعمار فراگیر در عرصه جهانی، از جمله موانع اساسی در راه شکوفایی و بالندگی توانایی‌های ایران در همه زمینه‌ها بوده‌اند از این رو اصلاحات بر مقابله عمیق و همه‌جانبه با این دو عامل تأکید دارد. مبنای استقلال، نفی سلطه مبارزه با خودکامگی، تمرکز بر منافع ملی و تکیه بر راهبردهای ملی، برای پیشرفت و توسعه همه‌جانبه است.

آزادی و مردم‌سالاری، لازمه استقلال و توانمندی اقتصادی و علمی و صنعتی شرط تحقق آن است. زیرا داشتن جامعه‌ای برخوردار، شرط نیل به استقلال است و استقلال در عرصه اقتصادی منوط به توان تولید ثروت است.

استقلال بر وحدت جامعه متکثر ایرانی و پیشبرد الگوهای توسعه دموکراتیک، درون‌زا و بویا مبتنی است. تأکید بر هویت ایرانی و عناصر ملی و دینی سامان‌دهنده آن، از جمله اقتضات استقلال در جهان کنونی است. استقلال در تعامل با جهان به هم پیوسته و در متن زندگی در دنیای متکثر معنا دارد. حفظ تمامیت ارضی ایران که از جمله دستاوردهای بزرگ دوران دفاع مقدس است و با بهای فداکاری‌ها و ایثارگری‌های بی‌نظیر

بهترین فرزندان این سرزمین، نه تنها در عرصه پاسداری از مرزهای آرمانی اسلام و ایران که در میدان دفاع از مرزهای جغرافیایی این زادبوم به دست آمده است، همچنان یک اصل مبنایی در اندیشه اصلاح‌طلبانه است.

۷. اصلاحات و عدالت

عدالت، اساس آفرینش و بنیان روابط اجتماعی است. تذکر به عدالت و پاسداری از آن و برپا داشتن قسط و عدل توسط خود آدمی، محور و اساس دعوت پیامبران و تحقق آن، از مهم‌ترین آرمان‌های انقلاب اسلامی است.

عدالت، دادن حق هر ذیحقی به اوست. از این رو در عین حال که وجه ملموس و فوری عدالت در ساخت حیات اقتصادی بروز پیدا می‌کند، ولی خلاصه کردن عدالت در این وجه، ظلم به عدالت است. بر این اساس، اگر انسان حق دارد بر سرنوشت اجتماعی خود حاکم باشد استقرار حکومت مردم‌سالار و پاسداری از آن، مهم‌ترین مصداق عدل خواهد بود.

بنابراین لازمه عدالت در سپهر حیات اجتماعی، عبارت است از احیای حقوق عامه و گسترش آزادی‌های مشروع و ایجاد زمینه برای بهره‌گیری از امکانات به طور مساوی از سوی همه کسانی که در نظام جمهوری اسلامی زندگی می‌کنند. در نتیجه وظیفه حکومت نه تنها دفاع از عدالت به معنی عام آن، بلکه زمینه‌سازی برای تحقق و گسترش آن در جامعه است. تأمین حقوق همه اقوام و مذاهب در سپهر ایران و پذیرش تنوع و تکثر در عین وحدت مصداق بارز عدالت در سرزمینی است که رنگین‌کمان اقوام گوناگون ایرانی، سازنده فرهنگ زیبا، دل‌انگیز و تحرک‌بخش آن است.

۸. اصلاحات و توسعه

اگرچه از توسعه تعریف‌های گوناگونی وجود دارد ولی در جامعه ما به لحاظ موازین و معیارهای دینی و فرهنگی و شرایط تاریخی، تعریف جامع‌الاطراف از توسعه به دست نمانده است. به طور اجمال می‌توان توسعه را به معنی برخوردار از همه افراد جامعه از همه فرصت‌ها و حقوق اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی‌شان دانست. بر این پایه توسعه مطلوب، پایدار و همه‌جانبه در منظر اصلاحات ابعاد و مشخصه‌های مختلفی دارد. رسیدن جامعه به توان و شایستگی لازم برای برخوردار از علم و فناوری و مدیریت کارآمد و بهره‌برداری از امکانات موجود و خلق امکانات جدید برای زندگی بهتر و نیز کسب استقلال

و امکان تعامل با جهان از موضعی برابر و استقرار حکومتی مردمسالار، غیرمستبد و عادل در عین پابندی به معیارهای دینی و فرهنگی و گسترش فرهنگ نقد، بخصوص در میان حاکمان، از جمله مولفها و مشخصه‌های این نگاه به توسعه است. این صورت از توسعه شامل همه عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی است.

۹. اصلاحات و اقتصاد پویا

اقتصاد رکن مهم زندگی فردی و جمعی است که رشد آن، هدف نظام مطلوب سیاسی بوده و هست. این رشد در صورتی کارساز است که توأم با عدالت و توزیع عادلانه امکانات به جای توزیع فقر یا اقتصاد صدقه‌ای باشد.

زمینه‌سازی برای کسب ثروت و آن‌گاه توزیع عادلانه آن در جامعه و فراهم آوردن زمینه دسترسی مردم به امکانات و فرصت‌های کسب درآمد و ارتقای معیشت و رفاه عمومی با حفظ کرامت آدمی، از مهم‌ترین اهداف اصلاحات است. حذف زمینه‌های انحصار و رانت‌جویی از طریق تقویت بخش خصوصی و کاهش مداخله و تصدی‌گری دولتی شفاف‌سازی وجوه پنهان اقتصادی و قانونمند کردن فعالیت‌های اقتصادی شرکتها و موسسات و نهادها از لوازم اساسی اصلاحات اقتصادی است.

حرکت به سوی بهره‌گیری از نعمت خداداد نفت در جهت تقویت جامعه، توانمندسازی بخش خصوصی، ایجاد زیرساخت‌های مناسب اقتصادی، علمی و فنی و جلوگیری از تبدیل این سرمایه‌گران به ابزار بی‌نیازی دولت از مردم، از دیگر مبانی اقتصادی اصلاحات است. بویژه آن‌که این‌گونه رویکرد تاریخی نهاد دولت به نفت خود مانع بسط دموکراسی و سبب میل قدرت به سوی خودکامگی و استبداد در ایران بوده است و می‌تواند باشد. در رویکرد اصلاحی، ایجاد سازگاری سازنده میان بخش‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، هم‌زمینه و هم‌هدف توسعه همه‌جانبه و پایدار به شمار می‌رود؛ در همه عرصه‌ها بخصوص اقتصاد، توجه به سرمایه اجتماعی برای بالابردن توان و خلاقیت شهروندان و بسط مشارکت مردم و افزایش بهره‌وری منابع ملی و امنیت کشور ضروری است.

در جهان به هم پیوسته امروز، بهره‌گیری از همه امکانات ملای و فنی کشورهای دیگر و حضور فعال در عرصه اقتصاد جهانی نیز نه تنها یک اصل مهم اصلاحی و شرط توسعه اقتصادی، بلکه لازمه افزایش امنیت و اقتدار ملی هم هست.

۱۰. اصلاحات و امنیت

امنیت شرط لازم برای شکوفایی و باروری استعدادهای نهفته در فرد و جامعه و بستر توسعه و پیشرفت همه‌جانبه است. مراد از امنیت نه فقط امنیت

حاکمان که بیش و پیش از آن، امنیت شهروندان است؛ امنیت واقعی حکومت نیز هنگامی تضمین خواهد شد که مردم احساس حرمت، امنیت و رضایت کنند و حکومت را در خیمت رفع نیاز و پیشرفت و اعتدالی جامعه و کشور ببینند. امنیت مستلزم آزادی، رفع تبعیض‌های فردی، اجتماعی، قومی، جنسیتی و مذهبی است و در صورتی برقرار می‌شود که جامعه احساس کند از فرصت‌ها درست استفاده می‌شود عوامل آسیب‌زا کاهش می‌یابند و حاکمیت نیز قدرت تبدیل تهدید به فرصت و نه تبدیل فرصت به تهدید را دارد. امنیت داخلی با تأمین آزادی اندیشه و بیان و سلامت فرآیندهای قانونی و تقویت تشکلهای و نهادهای مدنی و افزایش اعتماد متقابل میان دولت و ملت تحقق می‌یابد. امنیت در عرصه خارجی نیز با رهبردن تنش‌های و تعامل با جهان بر اساس منافع مشترک و احترام متقابل در عین هوشیاری در برابر توطئه‌ها و تلاش برای کاهش یا از میان بردن پهنه در کارگر افتادن توطئه‌ها و به طور خلاصه در بکارگیری درست سه اصل حکمت، عزت و مصلحت تأمین و تقویت می‌شود.

۱۱. اصلاحات و منزلت جهانی ایران

لازمه تحقق و پیشبرد خواسته‌های تاریخی ملت در رویکرد اصلاحات ارتقای جایگاه و منزلت جهانی ایران از طریق تقویت مناسبات بین‌المللی، ورود فعال و مثبت به عرصه افکار عمومی و حضور موثر در طیفه بین‌المللی و گفت‌وگو، بویژه گفت‌وگو میان فرهنگ‌ها و تمدن‌هاست. انزوا در جهان کنونی، نه مفید است و نه مطلوب و جهان واقعی در عین حال که متاثر از سطوح و سطوح‌طلبی قدرت‌های بزرگ است، جایی برای نقش‌آفرینی و اثربخشی ایران بر پایه گفت‌وگو، تعامل و اعتمادسازی در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نیز هست. تأمین منافع ملی برای تبیین جایگاه و ایفای نقش ایران در جامعه جهانی اولویت دارد. بر این اساس می‌توان و باید به جای روی آوردن به رسالت جهانی در عصر غیبت به وظیفه ساختن الگوی موفق داخلی در همه زمینه‌ها پرداخت. این الگوی عقلانی بر آزادی، عدالت، اخلاق، مردم‌سالاری، رفاه پیشرفت و عدم پذیرش سلطه مبتنی است. برای دستیابی به جایگاه سلیسته فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی در دنیای کنونی، لازم است دیدگاه‌ها و برنامه‌های حضور فعال و موثر ایران یا تکیه بر مهم‌ترین مسائل جدید جهانی، نظیر گفت‌وگو، صلح، محیط‌زیست، حقوق بشر، جهانی شدن و... تبیین و تلویح شود.

۱۲. اصلاحات و اخلاق

مهم‌ترین و مخرب‌ترین آسیب‌ها و افت‌ها در برابر هر جامعه‌ای، چه قدیم و چه جدید، تضعیف یا فروپاشی

بنیان‌های اخلاقی است. در این مسیر، جامعه و نظام سیاسی ایران به اعتبار وجه دینی آن به طور خاص در معرض افت‌های اخلاقی مانند ریا، تظاهر، دروغ و خودمناری نیز هست. اخلاق که پایه و مایه آن در زبان کلام دین و اصول آیین ما از آن به عنوان مستقلات عقلیه و حسن و قبح نفسی و عقلی یاد شده به تعبیری حتی ملاک و میزان حسن و قبح شرعی است از این رو در نگرش اصلاحی باید در برابر زوال اخلاقی جامعه نگران بود و پابندی به احکام الزام‌آور قطعی و بدیهی اخلاقی را اصل‌ترین ملاک و معیار در زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قرار داد. به هیچ بهانه و عنوانی نمی‌توان مدار نظام اخلاقی جامعه را در هم ریخت و به توجیه بی‌اخلاقی و بلااخلاقی، دروغ و فریب، خشونت و استبداد ایجاد رعب و وحشت تحقیر و تبعیض، تحجر و تنگ‌نظری و هرج و مرج و خودظوری بنیست. نمی‌توان اخلاق را به عرصه خصوصی راند و یا تولید آن را به اصحاب قدرت سپرد. باید سیاست را که حول قدرت شکل می‌گیرد بر اخلاق در عرصه عمومی متکی کرد.

استقرار جامعه اخلاقی و ممنوی، بر هر امری مقدم است و برای تحقق آن باید آن فعل یا ترک فعلی را اخلاقی دانست که ناشی از اراده شهروندان و نه اجبار آنان باشد. در نگاه اصلاح‌طلبانه دینی، افعالی که از سر ترس و اعمال قدرت صورت گیرند اساساً قابل مدح و ذم و حسن و قبح نیستند، از این رو به میدان آموختن زور برای پیشبرد اخلاق، به معنای از میان بردن فضیلت‌های اخلاقی است. فراهم کردن زمینه‌های لازم برای ارتقای سلامت اخلاقی جامعه ایرانی از جمله مردم‌سالارانه کردن حوزه قدرت و سیاست و معیار قرار دادن فضایل انسانی و اخلاق محمدی (ص) در روابط و مناسبات فردی و اجتماعی، از زمره مبانی مهم اصلاحات به شمار می‌رود.

با تامل در این اصول که روایت فشرده من از گفتار و مبانی اصلاحات طی یک دهه گذشته است انتظار دارم صاحب‌نظران دردمند کشور و اصحاب اندیشه و تجربه افق‌ها و راه‌های جدید نظری و عملی فراروی اصلاحات بکشایند تا به یاری خلدوند در گام‌های نو امکان تنویر و تحقق برنامه‌ها و اولویت‌های اصلاحات با نگاه به مسائل و نیازهای امروز و چشم‌انداز آینده ایران فراهم شود. انجام این مهم از جمله مسئولیت‌های همه اشخاص و گروه‌هایی است که نگران سرنوشت ایران عزیزند و برای اصلاح روند پر مخاطره پیش روی کشور، به پاسداشت و پیشبرد تجربه اصلاحات می‌اندیشند.

آن ارید الا الاصلاح ما استطعت و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه اتیبت (سوره هود، آیه ۸۸).